

هفتم اُمرداد - جشن اُمردادگان



واژه شناسی

اُمِرِه تات Aməratāt در پهلوی «اُمردات» - در پارسی امروز «اُمرداد» (به نادرست «مُرداد» هم گفته می شود). چم آن را در برگردانهای گوناگون: (گزند ناپذیری) - (نامیرایی) - (جاودانگی) - (رستگاری) - (فنا ناپذیری) - (نیروی زندگی) آورده اند. اُمرداد یکی از فروزه ها یا پرتوهای هفت گانه گوهر هستی بخش خداست.

اُمشاسپندان و جایگاه آنها در هستی شناسی ایرانی

اُمشاسپند، در اوستای نو [اُمشَ سپنتَ Amesha Spenta] و در پهلوی «اُمِشُ سپَند» یا «اُمهر سپَند» یک نامواژه سه بهری از زبان اوستایی است، بهر نخست آن «ا» که نشان نایی است مانند [بی]- [بدون].

بهر دوم [مِشَ mesha] از ریشه مَر، به چم مُردن.

بهر سوم [سپنتا Sepanta] به چم ورجاوند یا [مقدس]

همکرد این سه بهر می شود: «ورجاوند جاودانه»

در اوستا و در همه دیگر نامه های پهلوی از این باشندگان مینوی که پاسداران جهان گیتی و جهان مینو هستند پیای یاد شده است .

شمار «امشاسپندان» یا پرتوهای خداوندی شش است که با خود «هرمزد» که در بالای آنها جاگرفته شماره راز گونه هفت را پدید می آورند. جایگیری این پرتوهای خداوندی یا امشاسپندان چنین است:

۱- هرْمَزْد یا اهورَه مزدا و گاه [ایزد سروش] و گاه سپِنت مینو
Spenta Mainyu .

۲- وهومنه Vohu manah در پهلوی وَهْمَن و در پارسی بَهْمَن. همکرد دو واژه «وهو» به چم: خوب. نیکو... و «مَن» به چم: اندیشه، منش، کردار... آرش آن می شود: خرد ستوده - منش نیک - بهترین منش - خرد اهورایی - سرشت پاکیزه - نهاد روش - اندیشه پاک، و میان میان ها.

۳- آشه وَهیشْت Aša Vahišta در پهلوی «آشاوهیشت»، در پارسی امروز «اردیبهشت»، و چم آن را: (هنجار هستی) - (سامان آفرینش) - (ریتم کیهانی) - (سامان و هنجار فرمانروا بر اندیشه و گفتار و کردار آدمی) - (پیشرفت دهنده جهان و خواست اهورایی) - (نماد راستی و درستی و پاکی) - (نیروی پیش برنده جهان) و... جز اینها آورده اند. این واژه ۱۸۰ بار در سرودهای اشو زرتشت ورجاوند بکار رفته است. در اوستای نو اهورَه مزدا او را از نیروی خرد خود آفریده و نگاهبانی مرغزارها و گیاهان را بدست او سپرده است، به یاری او بود که گل و گیاه و درخت نیروی رویش بالش یافتند. «اردیبهشت» بازدارنده دیو خشم، و دور کننده بیماری است. سومین روز از هر ماه، و دومین ماه سال بنام اوست.

«اردیبهشت یشت» در ستایش شکوه خداوندی و کردوکار اوست. دومین روز از ماه اردیبهشت جشن اردیبهشتگان است

۴- **خَشَثَر وَیْرِیَه** Xšaθra Vairya در پهلوی «شهرور»، در پارسی امروز «شهریور» و چم آن را: (نیروی فرمانروایی) - (شهریاری دلخواه) - (شهریاری آرمانی) - (توانایی مینوی) - (بکارگیری همه توانش آدمی در پیشبرد و نوسازی جهان) - (فرمانروایی بر روان فرماینده یا نفس اماره) - (کار و کوشش در راستای بهزیوی مردمان) - (نیروی اراده و کوشش) - (خویشانداری و چیرگی بر خود) (توانایی و نیروی ایزدی) دانسته اند. این واژه ۵۵ بار در سرودهای اشو زرتشت بکار رفته و همانندی بسیار با «وهومن» (اندیشه نیک) دارد. در اوستای نو یکی از فروزه های مزدا اهوره، و همراه با دو امشاسپند دیگر «بهمن و اردیبهشت» نماد پدر خدایی مزدا اهوراست. در جهان مینوی نماد شهریاری و فرّ و شکوه فرمانروایی خداوند، و در گیتی نگاهبان توپالها و پاسدار فرّ و پیروزی شهریاران دادگر، و یاور بینوایان و یاری رسان ستمدیدگان و مستمندان است، او را مینوی مهربانی و جوانمردی هم خوانده اند. روز چهارم هر ماه، و هفتمین ماه سال بنام او، و روز چهارم از ماه شهریور جشن شهریورگان است.

۵- **سپنت آرمیتی** Spənta] Armaiti در پهلوی «سپندارمت» در پارسی «سپندارمذ»، «اسفندارمذ» و «اسفند» یک نامواژه دو بهری از زبان اوستایی است، بهر یکم آن «سپنت» به چم: ورجاوند، ستودنی، مقدس... و بهر دوم «آرمیتی» که چم آن را در برگردان های گوناگون: (اندیشه) - (از خود گذشتگی) - (بردباری) - (سازگاری) - (فروتنی) - (درست اندیشی) - (تراز مینشی) - (مهر به هستی) - (پاکدامنی) - (خرد ایزدی) - (راست مینشی) - (اندیشه رسا) - (اندیشه فزاینده) - (اندیشه بیدار) - (کارهای ستودنی) و... جز اینها دانسته اند. در «گاتها» تنها بهر دوم آن: «آرمیتی» ۳۴ بار آمده است. در اوستای نو نام یکی از «امشاسپندان»، و همراه

با «خُرداد» و «اُمرداد» گروه سه گانه «امشاسپند بانوان»، که نماد مادر خدایی «اهوره مزدا» هستند را پدید می آورند. همانگونه که «بهمن» و «آذر» پسران اهوره مزدا شمرده می شوند، «سپندارمذ بانو» و «ایزد بانو آردویسور آناهیتا» نیز دختران اهوره مزدا هستند. «سپندارمذ» در گیتی نگاهبان زمین و نگران باروری و سرسبزی آن است. روز پنجم از هر ماه، و دوازدهمین ماه سال بنام است و هفتمین روز از ماه اسفند «جشن اسفندگان» برگزار می شود.

۶- هورواتات Haurvatāt در پهلوی «خُردات» یا «هرداد» و در پارسی امروز «خُرداد». چم آن را در برگردان های گوناگون: (رسایی) - (خودشناسی) - (تندرستی) - (خُرمی) - (بی کم و کاستی) دانسته اند. بباور زرتشتیان اشو زرتشت ورجاوند در روز خُرداد از ماه فروردین زاده شد و در چنین روزی به پیامبری رسید و گشتاسپ در خرداد روز دین پذیرفت و رستاخیز نیز در روز خُرداد از ماه فروردین خواهد بود، از این رو «خرداد روز» از ماه فروردین را نوروز بزرگ گفته اند. نام این امشاسپند بانو همواره با نام «امشاسپند بانو اُمرداد» همراه می شود. در جهان آستومند، نگاهبانی آب، خویشکاری بزرگ اوست. چهارمین یشت از یشت های بیست و یک گانه اوستا ویژه ستایش و نیایش خُرداد، سومین ماه سال، و ششمین روز ماه بنام اوست و روز ششم در ماه خُرداد «جشن خردادگان» برگزار می شود. در «گاتها» این نام همراه با «اُمرداد» سیزده بار بازگفت شده است.

۷- اَمِرِه تات یا اُمرداد در اوستای نو همراه با دو امشاسپند بانوی دیگر (خُرداد و سپندارمذ) نماد مادرخدایی گوهر هستی بخش خداست. «اُمرداد» در جهان مَیئو نماینده پایداری و جاودانگی آهوره مزدا، و در جهان آستومند، نگاهبان گیاهان و خوردنی هاست. پنجمین ماه سال و هفتمین روز ماه به نام او، و گل «چمبک» (زنبق) ویژه اوست. ایزدان «رشن» (ایزد دادگری) و

«ارشتات» (ایزد راستی و درستی) و « زامیاد» (ایزد زمین) از همکاران او و «زیریچ» (دیو گرسنگی) یکی دستیاران بزرگ اهریمن همستار اوست.

خیام در نوروز نامه نوشته است:

« اُمرداد ماه یعنی خاک، داد خویش بداد از برها و میوه های پخته که در وی به رسایی رسد و نیز هوا در وی مانند غبار خاک باشد و این ماه میانه تابستان بود و بخش او از آفتاب، مر برج اسد را باشد. »

در گرامی نامه بُندهش برگردان دکتر مهرداد بهار می خوانیم:

« اُمردادِ بی‌مرگ، سرور گیاهانِ بی‌شمارست، زیرا او را به گیتی، گیاه، خویش است. گیاهان را رویاند و رَمه گوسفندان را افزایش، زیرا همه دام‌ها از او خورند و زیست کنند. به فرَشکرد (نوگردانی جهان و زندگی در پایان کار جهان به سالاری سوشیانت، رهاننده‌پی از تبار زرتشت) نیز «انوش» (خوراکِ بی‌مرگی) را از اُمرداد آریند. اگر کسی گیاه را رامش بخشد یا بیازارد، آن گاه اُمرداد [از او] آسوده یا آزرده بُود...»

هفتمین روز از هر ماه، و ماه پنجم سال بنام اوست. روز اُمرداد در ماه اُمرداد جشن اُمردادگان و هنگام خوش باشی و شادی پراکنی است. از آنجا که امشاسپند اُمرداد نماد نامیرایی و جاودانگی و در جهان گیتی نگهبان رُستنی هاست، بهتر این است که این جشن را در کوه و جنگل و سبزه زار و هر جا که درخت و گل سبزه هست برگزار کنیم و سپاس داده های زمین را بجای آوریم.

ایران‌شناس گرانمایه، «دکتر شاهین سپنتا» پیشنهاد کرده است که «جشن اُمردادگان» را (روز ملی پاسداری از جنگل‌ها) بنامیم. پیشنهاد بسیار پسندیده‌ی است ولی نه به گونه‌ی که نام جشن را از آن برداریم، «جشن امردادگان» یادگار نیاکان فرمند ما در هزاره های تاریخ است و

به همهٔ جنگلهای جهان می‌ارزد، فرهنگستان جهانی کوروش بزرگ پیشنهاد «دکتر شاهین سینتا» را بدین گونه پشتیبانی می‌کند: نام این شاد روز ایرانی همان که هست باید بماند، ولی آماج از برگزاری آن: پاسداری از آب و خاک و گیاه و جانور (بویره جنگلها) و فراخواندن همگان به این کوشش ملی باشد.

گل ویژهٔ جشن اُمردادگان

درگرمی نامهٔ بندهش، آنجا که «درباره چگونگی گیاهان» سخن به میان می‌رود، از میان گل‌ها، «چمبگ- زنبک- زنبق» گل ویژه اُمرداد شناسانده شده و آمده است که: «... این را نیز گوید که هر گلی از آن امشاسپندی است، و باشد که گوید: ... چمبک، اُمرداد را ... خویش است...»





شاد روز آمدادگان بر همه دوستداران فر و فرهنگ ایرانشهر خجسته باد.